

■ **صغری خیل فرهنگ**

پنجم خرداد ماه بود که خبر شهادت سردار شهید شعبان نصیری پس از حدود ۳۸ سال مجاهدت و ایثار منتشر شد. وی که از پیشگسوتان دفاع مقدس بود، عقابت در دفاع از حریم اهل بیت در طی عملیات آزادسازی موصل به شهادت رسید و پیکر مطهرش نیم خردادماه با حضور گسترده مردم در بیشت زهرا به خاک سپرده شد. سردار شهید شعبان نصیری از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس بود که در قرار گاه نصرت همجواری با سرداری چون شهید علی هاشمی را تجربه کرده بود. وی بعدها نیز در زمره فرماندهان لشکر ۹ بدر و همین طور لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) قرار گرفت. شهید نصیری پس از شروع فتنه داعش و تکفیری‌ها در عراق، حضور مستشاری در این کشور داشت و به مدت چهار سال در این کسوت خدمت کرد. وی که به زبان عربی تسلط کامل داشت، در بسط و هدایت نیروهای حشدالشعبی تأثیر گذار بود. سردار نصیری همراهی با نیروهای مردمی عراق را تا به آنجا ادامه داد که اکنون شمارش معکوس برای نابودی کامل داعش در عراق رو به اتمام است. آنچه در پی می‌آید حاصل همکلامی ما با فرزند ارشد شهید، سلمان نصیری است تا گوشه‌ای از زندگی مجاهدانه شهید را به رشته تحریر در آوریم.

پدر شهید تان سابقه فعالیت انقلابی هم داشتند؟

پدرم اصالتاً متولد کرج است اما محل زندگی‌شان نظام‌آباد تهران بود. ایمن محله نزدیک به مراکز اصلی راهپیمایی و تظاهرات مردمی بود. ایشان در زمان انقلاب سرباز بود و مشغول خدمت؛ وقتی امام خمینی دستور فرار از پادگان‌ها را صادر کرد، همراه دوستانشان از پادگان‌ها فرار کردند. به دنبال آن پدر در جریان مستقیم فعالیت‌های انقلابی قرار گرفته و در اشغال کلاتری محل و پادگان همراهی و همکاری داشت.

گویا شهید نصیری از اولین دوره‌های تشکیل سپاه وارد این نهاد انقلابی شده بود؟

بله شهید نصیری در تشکیل سپاه پاسداران کرج سهم بسزایی داشت. حاج شعبان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به کرج آمد و در سال ۱۳۶۰ از دواج کرد. من در سال ۱۳۶۱ به دنیا آمدم. پدرم فعالیت‌های زیادی در سپاه داشت. از آموزش و اعزام نیروها در اردوگاه شهید باهنر گرفته تا کارهای دیگر. این اقامات بعد از جنگ هم همچنان ادامه داشت. پدر از اولین کسانی بود که دوره دافوس را گذراند. ایشان جانشین شهید اسامعینی از قبایلی در تیپ بدر بود. معارضین عراقی که از حزب بعث فرار کرده بودند، بعد از سازماندهی سپاه بدر را تشکیل دادند. ارادت

امروز مردم عراق و حشد الشعبی هم به خاطر این از تباطؤ پدر با عراقی‌ها به همان زمان بازمی‌گرد. بعدها پدر به لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) ملحق شد و فرماندهی گردان علی اکبر(ع) را برعهده گرفت. بعد از آن مجدداً به سپاه بدر منتقل شد و تا زمان قبول قطعنامه در همان مسئولیت ماند.

شما در پایان جنگ تعمیلی شش سال بیشتر نداشتید، چقدر پای خاطرات و درد دل‌های پدر از دوران دفاع می‌نشستید؟

می‌دانم که پدرم در طول سال‌های دفاع مقدس بارها و بارها مجروح شد و بعد از بهبودی نسبی مجدداً راهی منطقه می‌شد. ما همه اینها را از زبان خودش می‌شنیدیم. وقتی پای خاطراتشان می‌نشستیم از مجروحیت‌ها و طول درمان‌ها و انتقال و بستری شدنشان در بیمارستان‌های اهواز یا اصفهان برایمان می‌گفت. اینکه بعد از بهبودی مختصر دوباره به مناطق عملیاتی می‌رفت. سال ۱۳۶۷-۱۳۶۶ ما در شهرک نفت باختران همراه پدر بودیم؛ اما نزدیکی فیزیکی با ایشان باعث نمی‌شد تا بیشتر فرام‌نمی‌شد. چون فرصت دیدار با خانواده فراهم نمی‌شد. بعد از اتمام جنگ و پذیرش قطعنامه به کرج برگشتیم. پدر مدتی به همراه سردار محمدرضا نغدتی به ناچار رفت و بعد از آن مجدداً به سپاه بدر ملحق شد.

گفت‌وگوی «جوان» با فرزند شهید مدافع حرم سردار شعبان نصیری

حاج شعبان ساعتی قبل از شهادت روی لودر جاده‌کشی می‌کرد



اصلی و اولیه حشدالشعبی را در عراق تشکیل

دادند. امروز به برکت حضور همین نیروهای حشدالشعبی و بسیج بود که داعش در عراق دست و پا بسته ماند و با تحمل لطمات سنگین هر روز از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کند. پدر بر این اعتقاد و باور بود که سرزمین عراق بر اساس اعتقادات صحیح شیعه محل استقرار حضرت حجت‌الت و امام‌زمان (عج) حکومتشان را در آنجا تشکیل می‌دهند و پایه‌ریزی خواهند کرد. از این رو تا در عراق امنیت برقرار نشود تا این خواسته آنها محقق نشود. حضور پدر همراه با نیروهای حشدالشعبی و انتقال تجربه‌های دوران دفاع مقدس به لحاظ شناسایی‌ها، تاکتیک و بدون کوچک‌ترین چشمداشتی انجام می‌شد حتی پدر زمانی که متوجه می‌شدند کار عملیات گره خورده یا متوقف شده‌است با هزینه شخصی خودشان به عراق می‌رفت‌و اشکال را برطرف کرده و عملیات را راه‌اندازی می‌کرد. پدر به زبان عربی مسلط بود برای همین بسیار راحت می‌توانست با بچه‌های عراقی ارتباط گرفته و عملیات‌ها را رهبری نماید. در نهایت مجاهدت‌هایشان به ثمر نشست و به برکت خون آنها نیروی مردمی عراق و حشدالشعبی به مرزهای سوریه رسید و داعش به آخر کار خود در عراق نزدیک شد.

در مدت حضورشان در جبهه مقاومت اسلامی مجروح هم شده بودند؟
پدر در عملیات جزیره خالدیه شرکت داشت. این عملیات بسیار حساس و پیچیده بود. حتی ارتش عراق و امریکایی‌ها در زمان اشغال عراق جرئت نمی‌کردند به دلیل استحکامات تروریست‌ها عملیات را راه‌اندازی می‌کرد. پدر به زبان عربی مسلط بود برای همین بسیار راحت می‌توانست با بچه‌های عراقی ارتباط گرفته و عملیات‌ها را رهبری نماید. در نهایت مجاهدت‌هایشان به ثمر نشست و به برکت خون آنها نیروی مردمی عراق و حشدالشعبی به مرزهای سوریه رسید و داعش به آخر کار خود در عراق نزدیک شد.

پدر در عملیات جزیره خالدیه شرکت داشت. این عملیات بسیار حساس و پیچیده بود. حتی ارتش عراق و امریکایی‌ها در زمان اشغال عراق جرئت نمی‌کردند به دلیل استحکامات تروریست‌ها



طراح:علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۱۱۱

از راست به چپ

۱- یاد گرم و مرطوب- غذای خوشمزه گیلانی‌ها از بادنجان کباب‌شده ■ ۲- از بخش‌های اوستا در ستایش خندا- دعای خیر- سسپل و نشانه ■ ۳- حرف بدون زودبایستی- نقطه وسط دایره- کنایوز- رخسار ■ ۴- کج و مایل- بسیار حمله‌کننده- نوعی آجر ساختمانی ■ ۵- طاغوت زمان حضرت ابراهیم- سمت چپ لشکر- عالی‌ترین نماینده سیاسی یک کشور در کشور دیگر ■ ۶- قرنی، قوش- تا همی باید زمین و آسمان/ تا بودن را... این را قرار- هفتمین معصوم ■ ۷- خورده‌نی نابه‌جا- به دنیا آوردن- در گذشته رئیس پاسبانان و نگهبانان شهر بود ■ ۸- گوشت آذری- بهار- خرمافروش- همسایه تهران ■ ۹- آسمان‌های قرانی- نمایشنامه نویسن ایرلندی و برنده جایزه نوبل ادبیات ۱۹۲۱م ■ ۱۰- شرطبندی- چربی خون توسط این سبزی از بین می‌رود- خروفچینی کمپیوتری ■ ۱۱- اتاق بزرگ- داستان کوتاه- از وسایل تراز بنایی ■ ۱۲- پسوند صفت‌ساز- پدر ویس در ادبیات فارسی- واحد شمارش پل ■ ۱۳- اسم آذری- رایزنی- شهری که قبلاً سلطان آباد نامیده می‌شد- تن پوش مردانه ■ ۱۴- محصول زنجان- دوچرخه‌سوار- بر گرگ انتخاباتی ■ ۱۵- محل نگهداری کودکان بی سرپرست- مالیات لب مرز

از بالا به پایین

۱- گیاهی خودرو است که بیشتر برای ناراحتی‌های دستگاه گوارشی و ناراحتی‌های زخم معده، زخم اثنی عشر و ورم معده استفاده می‌شود- از شخصیت‌های شاهنامه و فرزند کاووس ■ ۲- حسادت- ساختمان نمایشی، دکور- واحد بوکس ■ ۳- هواپیمای فشفشه‌ای- کمانه وپولون- دومین مسجد بزرگ کوفه- صندلی دوجرخه ■ ۴- موضعی در مکه- داستان بلند- از شدت تعجب درمی‌آوردند ■ ۵- ارادتمند- جنبنده‌ای در دهان- دگمه پیراهن ■ ۶- ضرورت خوشنویسی- لباس شنا- ناشایست ■ ۷- جانوری است مهردار از راسته گوشتخواران و خانواده گربه‌سانان- عنصر شیمیایی- زیارت‌نامه‌ای که خواندن آن ثواب دارد ■ ۸- علامت مقبول- بازار بی‌روقی- رنگ به رنگ شدن- جوی خون ■ ۹- تیم ورزشی ارمنه- طوق و گردن‌بند- صد و یازده ■ ۱۰- حاشاکردن- پوسیده- تفرجگاهی در شمال تهران ■ ۱۱- بازی خانمان پرانداز- هلاک و نیستی- نوعی موشک ■ ۱۲- رود بزرگ سوییس- در اصطلاح تصوف به معنی دل عارف است- سلاح سنگین جنگی ■ ۱۳- آب‌بند- هزینه‌های ضروری عیال که بر عهده شوهر است- کار دشوار و سخت- پایتخت ایتالیا ■ ۱۴- بندری در استان هرمزگان- از نخست‌وزیران هند- جوهر بدن ■ ۱۵- نمک سازگار با غده تیروئید- جغرافیای سیاسی

گزارش

از نفسشان گذشتند تا نفس‌های ما به شمار ه نیفتد

■ **علیرضا محمدی**

«دوست داشتم وقتی که باز می‌گفتی دهدی چون بیشت بودم، ولی چاره‌ای نیست. من و دوستانم رفتیم تا تو و امثال تو در آرامش زندگی کنی. دوستت دارم نفسم.» این جملات بخشی از وصیتنامه شهید مدافع حرم مهدی علیدوست به فرزندش است. یا شاید به همه فرزندان ایران اسلامی که شروق و غرب کشورشان مدت‌هاست شاهد حضور گروه‌های تروریستی است. گرگ‌های گرسنه‌ای که زوزه کشان در انتظار یافتن فرصتی هستند تا به آرامش این مرز و بوم خدشه وارد کنند.

به گزارش «جوان» مدت‌هاست که کشور

عزیزمان در معرض تهدیدهایی قرار دارد که از نسوی گروه‌های فرقه‌شده تروریستی به آن تحمیل می‌شود. تروریست‌هایی که دامنه آتشان سراسر کشورهای منطقه و حتی اروپا را فراگرفته است. آتشی که به تازگی شر‌حه‌هایی از آن به پایتخت کشورمان نیز کشیده شد و شاهد بودیم که چطور گروه‌های تروریستی به مجلس شورای اسلامی و مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) حمله کردند. جنگ اما تا پیش از این اتفاق به ایران عزیزمان تحمیل شده بود. نبردی سخت و دردناک که بزرگمردانی چون مدافعان حرم باعث شدند دامنه ویرانگرش از شام و عراق به داخل کشورمان سرایت نکند. وگرنه که حلب چیزی از اصفهان کم نداشت و تهران چیزی از دمشق بیش نداشت!

همین جدوتقت پیش بود که یک‌فرصت‌طلب وورشکسته سیاسی، برای کاسبی رای در

انتخابات ریاست جمهوری اتهام‌هایی به مدافعان حرم وارد کرده بود که به جای خون

دانشیم تا آتش زیر خاکستر یاره‌گویان



دوباره زبانه بکشد. آنها که با حلول ماه درخشان مدافعان حرم، دوباره فرصت را غنیمت شمردند و باز شروع به شهبه افکنی و تهمت‌پراکنی کردند.تهمت‌هایی که متأسفانه تعداد قابل توجهی از مردم کشورمان را نیز فریب داد و شاهد هجماه‌های شدیدی به این جبهه بودیم. این روزها که پایتخت کشورمان مانند اوایل دهه ۶۰ باز صدای رگبار شلیک تروریست‌ها را می‌شنود شاید خوش‌خیالاتی که امنیت را از کوروش کبیر به ارث برده‌اند، بیدار شوند و دور و بر خود را بهتر ببینند. به عراقی نگاه کنند که تا همین دو سال قبل بیش از ۶۰ درصد خاکش به تصرف داعش درآمده بود و اگر نبود کمک‌های رزمندگان کشورمان، به حتم اکنون به جای کشور عراق یا دولت اسلامی عراق و شام همسایه بودیم!

در پایان یادمان نرود شهید مهدی علیدوست و فرزندش نفس را، اگر نمی‌توانیم مثل علیدوست‌ها مرد باشیم و مرانه برای آرامش

و عزت ایران اسلامی قدم برداریم، حداقل مراقب باشیم چه از دهانمان خارج می‌شود تا فرای قیامت شرمنده خون این شهدای عزیز نباشیم. اقا مهدی نفس را گذاشت و رفت تا نفس‌های ما به شماره نیفتد.

عزیزمان در معرض تهدیدهایی قرار دارد که از نسوی گروه‌های فرقه‌شده تروریستی به آن تحمیل می‌شود. تروریست‌هایی که دامنه آتشان سراسر کشورهای منطقه و حتی اروپا را فراگرفته است. آتشی که به تازگی شر‌حه‌هایی از آن به پایتخت کشورمان نیز کشیده شد و شاهد بودیم که چطور گروه‌های تروریستی به مجلس شورای اسلامی و مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) حمله کردند.

جنگ اما تا پیش از این اتفاق به ایران عزیزمان تحمیل شده بود. نبردی سخت و دردناک که بزرگمردانی چون مدافعان حرم باعث شدند دامنه ویرانگرش از شام و عراق به داخل کشورمان سرایت نکند. وگرنه که حلب چیزی از اصفهان کم نداشت و تهران چیزی از دمشق بیش نداشت!

همین جدوتقت پیش بود که یک‌فرصت‌طلب وورشکسته سیاسی، برای کاسبی رای در انتخابات ریاست جمهوری اتهام‌هایی به مدافعان حرم وارد کرده بود که به جای خون

دانشیم تا آتش زیر خاکستر یاره‌گویان

دوباره زبانه بکشد. آنها که با حلول ماه درخشان مدافعان حرم، دوباره فرصت را غنیمت شمردند و باز شروع به شهبه افکنی و تهمت‌پراکنی کردند.تهمت‌هایی که متأسفانه تعداد قابل توجهی از مردم کشورمان را نیز فریب داد و شاهد هجماه‌های شدیدی به این جبهه بودیم. این روزها که پایتخت کشورمان مانند اوایل دهه ۶۰ باز صدای رگبار شلیک تروریست‌ها را می‌شنود شاید خوش‌خیالاتی که امنیت را از کوروش کبیر به ارث برده‌اند، بیدار شوند و دور و بر خود را بهتر ببینند. به عراقی نگاه کنند که تا همین دو سال قبل بیش از ۶۰ درصد خاکش به تصرف داعش درآمده بود و اگر نبود کمک‌های رزمندگان کشورمان، به حتم اکنون به جای کشور عراق یا دولت اسلامی عراق و شام همسایه بودیم!

از همان اول انقلاب یکسری از جان و هستی‌شان برای امنیت و آبادانی کشور مان می‌گذشتند و یکسری به جای تشکر غر می‌زدند!البته‌اگر توجه داشته باشیم که امنیت ارث پدری ایشان است، شاید ما هم می‌توانستیم به آن‌ها حق بدهیم که از دفاعی مشروع و مقدس در برابر هر حمله کنندگان بعضی ناراحت هم باشند!

و مذاکره می‌شدند!خب حالا که تهران از آتش قهر سلفی‌ها در امان نمانده، بفرمایید با حمله‌کنندگان به مجلس مذاکره کنید!

باید قبول کنیم یکسری از مردم کشورمان (هرچند تعدادشان زیاد هم نباشد) فکر می‌کنند امنیت یک امر بدیهی است و این حق ایرانیان آریایی‌نژاد است که فی‌نفسه در امنیت به سربرند. همین‌ها هنگام جنگ تحمیلی از اقسام تهمت‌ها و جهمه‌ها را به دامن پاک رزمنده‌ها وارد می‌کردند. اینها یا چشم‌هایشان کور و گوش‌هایشان کر بود، یا نمی‌خواستند

			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶
			۳						۹
			۵						۱
			۲						۸
			۴						۳
			۲						۵
			۷						۸
			۴						۶